

بررسی میزان وابستگی خانواده هسته‌ای به خانواده‌های پدری و مادری در میان دانشجویان افسانه توسلی^۱

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ای عوامل موثر در میزان وابستگی خانواده هسته‌ای به خانواده‌های پدری و مادری می‌پردازد. بر همین اساس از نظریات لوی اشترواس، راددکلیف براون، رنه کونینگ و رهیافت مبادله استفاده شده است. روش تحقیق حاضر به صورت پیمایشی و کتابخانه‌ای بوده و جامعه آماری این پژوهش شامل خانواده‌های دانشجویان دانشگاه الزهرا می‌باشد و انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای صورت گرفته است. حجم نمونه برابر با ۲۶۰ نفر می‌باشد و ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. نتایج نشان داد متغیر اقتدار پدر با وابستگی به خانواده پدری رابطه مثبت معناداری نشان داد. همچنین میان اقتدار پدر و وابستگی به خانواده مادری نیز این رابطه به چشم می‌خورد. اما اقتدار پدر با وابستگی مالی به خانواده مادر رابطه معنادار منفی را نشان داد. متغیر در قید حیات بودن خانواده مادری با وابستگی به خانواده مادری رابطه معناداری را نشان داد در حالی که متغیر در قید حیات بودن خانواده پدری با وابستگی به خانواده پدری رابطه معناداری نداشت. تعداد دفعات دیدار خانواده مادری با وابستگی به خانواده مادری رابطه معناداری را نشان داد در حالی که تعداد دفعات دیدار خانواده پدری با وابستگی به خانواده پدری رابطه معنادار نشان نداد. متغیر تحصیلات پدر پاسخگو با وابستگی به خانواده پدری از نظر نگهداری از فرزندان رابطه معناداری را نشان داد در حالی که با وابستگی به خانواده مادری از نظر نگهداری از فرزندان رابطه معناداری را نشان نداد. علاوه بر این تحصیلات پدر پاسخگو با وابستگی مالی به خانواده مادری رابطه معنادار معکوسی نشان داد و تحصیلات مادر پاسخگو با وابستگی مالی به خانواده پدری رابطه معنادار معکوسی نشان داد. متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو نیز با وابستگی مالی به خانواده مادری رابطه معنادار نشان داد در حالی که با وابستگی مالی به خانواده پدری رابطه معنادار نشان نداد.

کلید واژه‌ها: خانواده هسته‌ای، خانواده پدری و مادری، اقتدار پدر، در قید حیات بودن، تعداد دفعات دیدار

مفهوم خانواده تا نیمه سده نوزدهم با افکار و دیدگاه‌های فلسفی همراه بود. خانواده پدیده‌ای مقدس و ایستا و بدون تغییر در نظر گرفته می‌شد. خانواده مظهر عشق و عدالت بود بنابراین بحث پیرامون خانواده و قانون‌های ازدواج و انواع روابط خویشاوندی تا اندازه‌ای کفر و اهانت به مقدسات بود. از نیمه سده نوزده تا آغاز سده بیست دوران تقدس‌زدایی از خانواده آغاز می‌شود و خانواده از تعهدی آسمانی به تعهدی انسانی تغییر شکل می‌دهد. از آغاز سده بیست تا نیمه سده بیستم خانواده به سمت تخصصی شدن سیر می‌کند و سه مبحث خانواده، خویشاوندی و ازدواج از هم مجزا می‌شود. خانواده یک نظام و یک سیستم است و هر کنش و واکنشی در آن به منزل‌الگویی برای فرزندان است. فرزندان در ارتباط‌های آینده و کنش‌های خود از آموزه‌ها یشان در خانواده بهره می‌برند (زارعان، ۱۳۹۲: ۱۹۲). نخستین سال‌های زندگی هر فرد در محیط خانواده می‌گذرد و در این دوران است که پایه شخصیت او گذاشته می‌شود، بنابراین می‌توان به اهمیت خانواده و تأثیری که در پرورش فرد و قوای روحی و اخلاقی او دارد پی برد. خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی برعهده دارد (فاضل‌نیا، ۱۳۹۳: ۸۵۰-۸۵۱).

در منابع گوناگون، ساختار اصلی خانواده به دو شکل در نظر گرفته شده است: خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای. خانواده هسته‌ای از زن و شوهر و فرزندان ازدواج نکرده تشکیل می‌شود. این نوع خانواده بنیان جوامع صنعتی کنونی را تشکیل می‌دهد که در گسترش شهرنشینی و توسعه صنعتی شکل گرفته‌اند. خانواده گسترده بر بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی می‌شود. خانواده‌های گسترده فرزندان‌شان را پس از ازدواج در خود جای می‌دهند و گسترش آنها نیز به همین دلیل است (بلبلیان، ۱۳۸۵، فاضل‌نیا، ۱۳۹۳: ۸۵۲). به عبارت دیگر در گذشته وقتی یک زوج با یکدیگر ازدواج می‌کردند و از خانواده پدر و مادری خود جدا می‌شدند و زندگی تازه‌ای را شروع می‌کردند، این جدایی چندان محسوس نبود زیرا که خانواده والدینی به دلیل داشتن منابع مالی، خانواده تازه تشکیل شده را مورد حمایت خود قرار می‌داد و ارتباط نزدیکی بین این دو خانواده در جریان بود. که البته این مسئله با خود عواقبی را هم به همراه داشت. این شکل از خانواده در واقع خانواده گسترده بود. اما در حال حاضر خانواده‌های جدید به دلیل تغییرات ساختاری و معیشتی از خانواده اولیه خود جدا شده و معیشت کشاورزی را رها می‌کند به طوری که این جدایی نهاد خانواده را به عنوان یک نهاد پرکارکرد تغییر شکل می‌دهد.

در این شکل جدید از خانواده، که خانواده هسته ای نام می گیرد زوجین زندگی را با آشنایی بی واسطه خود آغاز می کند در حالی که در گذشته ازدواج از طریق خانواده و شبکه خویشاوندی صورت می گرفت. بنابراین، می توان دریافت که مهم ترین تفاوت خانواده هسته ای با انواع دیگر خانواده، جدایی محل تولید و محل زندگی و همچنین، نوع همسر گزینی است.

ایران از جمله کشور هایی است که نگرش مثبتی به خانواده دارد و آن را بهترین مکان برای زندگی افراد می داند. این نگرش مثبت امری عمومی بوده و مطلوب تلقی می شود. اما اطلاعات در مورد خانواده و زندگی های خانوادگی بسیار ناچیز است. این کمبود زمانی که سعی در ارائه الگویی در جهت حفظ و پایداری خانواده می شود بیشتر به چشم می خورد. شناخت روابط خانوادگی و حوزه های خویشاوندی اولین قدم در مطالعه بهینه خانواده در ایران می باشد. تغییر شکل خانواده هسته ای و جدایی از خانواده گسترده و تغییر پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و تفاوت طبقاتی با خانواده های ایجاد یی جهت یاب لزوم مطالعات جدی تری را در این حوزه ها می طلبد. خویشاوندی از پایه های جهانی روابط استوار انسانی است. در مواردی موجبات پیدایی عصبیت را فراهم می سازد (ساروخانی ۱۳۸۱: ۱۹۲). خویشاوندی شبکه نسبتا وسیعی از روابط افراد می باشد که از طریق نسبی یا سببی و از طریق فرزند پذیری به یکدیگر مرتبطند. به وسیله نظام خویشاوندی می توانیم مناسباتی را که میان خانواده ها موجود است سازمان داده و مشخص کنیم (کوپن، ۱۳۸۸: ۱۷۱). خانواده، کوچکترین سلول خویشاوندی است که در عین حال منسجم ترین و محکم ترین حلقه پیوند خویشاوندی را نیز تشکیل می دهد و پایه و اساس این روابط است (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). تفاوت های عمیق خانواده هسته ای و گسترده خویشاوندی را متحول می سازد و آن را از شکل گذشته خارج می کند.

مطالعات خویشاوندی معاصر به زمینه تاریخی به تجربه روزمره، یافته ها و ارائه جنسیت، قدرت و تفاوت ها تمایل دارند و تمرکز تحلیلی شاخصی را به مقولاتی همچون تناقض، پارادوکس و دلسردی متوجه می سازند. متأسفانه هیچ گونه تحقیقی در حوزه موضوع مورد مطالعه در ایران یافت نشد. تحقیقات در ایران تنها در مورد انواع خویشاوندی از منظر انسان شناسی به بحث می پرداخت و یا به تفسیر ازدواج خویشاوندی می پرداخت. در مقاله ای تحت عنوان " تفاوت های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران " که توسط ترابی و عباسی شوازی در سال ۱۳۸۵ انجام شد، الگوهای رفتاری و نگرشی فرزندان (نسل دوم) در مورد ازدواج خویشاوندی بررسی گردیده و با الگوی ازدواج خویشاوندی والدین (نسل اول) مقایسه می گردد. یافته های مطالعه بیانگر این است که تفاوت های بین نسلی در مورد ویژگی های فردی به کاهش مطلوبیت و رواج ازدواج خویشاوندی در میان نسل دوم منجر

نگردیده است. از سوی دیگر، اگرچه تاثیرپذیری الگوی رفتاری و نگرشی دو نسل از جریان‌های مدرنیزاسیون و شهرنشینی نشان داده شده است، رابطه مشابه قومیت با الگوی ازدواج دو نسل از تاثیر پایدار الگوهای فرهنگی بر ازدواج خویشاوندی در ایران حکایت می‌نماید. رابطه الگوهای رفتاری و نگرشی فرزندان با الگوی ازدواج والدین و نیز تاثیر تفاوتی ویژگی‌های والدین بر نگرش فرزندان دختر و پسر از دیگر نتایج به دست آمده می‌باشد و این در حالی است که در تحقیقات غربی، بیش از ۴ دهه با رویکردی جامعه‌شناختی به موضوع پرداخته شده است. درفمن و لورن. تی^۱ (۱۹۹۰) تحقیقی با عنوان روابط خویشاوندی در مردان و زنان روستایی بازنشسته در آیوا انجام دادند. در این تحقیق روابط خویشاوندی بر اساس جنسیت تغییر می‌کنند. مطالعات روستایی و غیر روستایی زیادی مرکزیت "خویشاوند داری"^۲ یا بقای شبکه‌های خویشاوندی را در زندگی زنان در طی دوره عمر مستند نموده‌اند. اهداف این مطالعه شامل: مقایسه کمیت و کیفیت روابط داخل نسلی و خواهر برادری در زنان و مردان بازنشسته است، آزمایش عوامل زمینه‌ای که با کیفیت و کمیت روابط خویشاوندی مرتبط و همچنین جمع‌آوری اطلاعات در مورد روابط خویشاوندی در حین بازنشستگی برای شاغلانی که با خانواده‌های روستایی کار می‌کنند، می‌باشد. ماریتا موریسی^۳ (۱۹۹۱) تحقیقی با عنوان جنسیت، نژاد و خویشاوندی: جستجو برای خانواده مادری انجام دادند. و به این نتایج دست یافتند که مطالعه علوم اجتماعی در مورد خانواده‌های زن-سرپرست عموماً با متغیرهایی مثل فقر و قومیت سر و کار دارند. تغییر روابط جنسیتی و خویشاوندی، به خصوص در خانه‌های زن-سرپرست کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیر ام. استوکر و...^۴ (۱۹۹۲) تحقیقی با عنوان طبیعت و ارتباطات خانوادگی بر گرفته از ادراکات قبل از نوجوانی نسبت به روابط خواهر برادری انجام دادند و به این نتایج دست یافتند که رفتار فرزندان اول و فرزندان دوم نسبت به خویشاوند در سه بعد مشخص شد: علاقه، رقابت و خصومت. هیچ تفاوت معناداری بین فرزندان اول و دوم نسبت به روابط خویشاوندی مشاهده نشد. علاقه در این روابط همبستگی داشت اما میزان‌های رقابت و خصومت نامرتب بود. نزدیکی و صمیمیت مادری رابطه منفی با رقابت و خصومت خویشاوندی داشت. فرزندان که زمان بیشتری را در فعالیت‌های دونفری با پدرشان صرف می‌کردند و صمیمیت و نزدیکی بیشتری را در روابط پدر-فرزند حس می‌کردند، بیشترین روابط خویشاوندی مثبت را گزارش نمودند. سوزی دی. لامبورن و دانگ گیا تی

1Dorfman. lorraine

2Kin keeping

3Marietta Morrissey

4Clare M. Stouker

گیون (۲۰۰۴) مطالعه ای با عنوان ادراک کنش متقابل خانواده در جوانان افریقایی - امریکایی : حمایت خویشاوندی، روابط والدین-فرزند و تعادل نوجوانی انجام دادند به جز چند استثنا حمایت خویشاوندی با سازگاری نوجوان در خانواده تک والد و ۲ والد ، والدین تحصیل کرده و کمتر تحصیل کرده در مورد پسر و دختر رابطه مثبتی نشان داد. هم حمایت خویشاوندی و هم صمیمیت مادری تعیین کننده اعتماد و دلگرمی به خود، جهت گیری کاری و جهت گیری مدرسه بود. حمایت خویشاوندی اولین تعیین کننده هویت قومی بود. آناستازیا اس. وگت یوان (۲۰۰۹) مطالعه ای را با عنوان روابط خویشاوندی و سلامت روان نوجوان رابطه مابین ساختار و کیفیت انجام دادند نتایج بیانگر این بود که که ساختار خویشاوندی رابطه کمی با سلامت روان دارد و کیفیت روابط خویشاوندی عموماً به صورت غیر مستقیم این روابط را پایداری نمی کند. به هر حال ساختار خویشاوندی رابطه میان کیفیت روابط خویشاوندی و سلامت روان نوجوانان را تعدیل می کند.

تحقیق حاضر در پی بررسی مقایسه ای عوامل تاثیرگذار در وابستگی خانواده های هسته ای به خانواده های پدری و مادری است. و نظریه لوی اشترواس و رادکلیف براون چهارچوب نظری این تحقیق را تشکیل می دهد. رادکلیف براون "واحد خویشاوندی را چنین تعریف می کند: "واحد ساختی که قبيله از آن تشکیل می شود. گروهی است که من آن را" خانواده اولیه " نامیده ام و افراد این واحد عبارتند از یک مرد، زنش و کودک یا کودکانشان. خانواده اولیه سه نوع رابطه اجتماعی ویژه به وجود می آورد: رابطه میان والدین و فرزند، رابطه میان فرزندان با پدر و مادر، رابطه میان زن و شوهری که والدین همان کودک یا کودکان هستند. این سه رابطه که در خانواده اولیه وجود دارد و تشکیل دهنده نظم است که من آن را "درجه اول" خوانده ام. روابط درجه دوم به پیوند میان دو خانواده اولیه از طریق یک عضو مشترک وابسته است مثل پدر پدر، برادر مادر، خواهر زن و جز آن".

لویی اشتروس^۴ از این تعریف خشنود نیست زیرا رادکلیف براون خانواده زیستی را واحد اساسی فرض کرده است در صورتی که برای خود وی نظام های خویشاوندی نظام های اعتقادی هستند که در آگاهی آدمی موجودند . به علاوه رادکلیف براون روابطی را که لوی اشتروس درجه اول می داند درجه دوم و فرعی محسوب می کند. به عنوان مثال برادر مادر جزئی ضروری از واحد اساسی خویشاوندی در تعریف لوی اشتروی است. وی معتقد است که تاملات نظری رادکلیف براون در مورد واقعیت های خویشاوندی تعریفی تجربی و مبتنی بر مشاهده صوری از خانواده است که مشاهده آن نیازمند دقت زیاد نیست. بدین لحاظ رادکلیف براون خیلی زود تحت تاثیر حضور همه جانبه خانواده زیستی قرار می

1Susie D. Lamborn and Dang ° Giao T. Nguyen

2Anastasias. Vogt Yuan

3Radclif Brown

4Luie Struas

گیرد و عطف توجه وی بر نسبت‌های زیستی به طور مستقیم ناشی از بینش غیر انتقادی و تجربی اوست. او تلاشی برای رخنه در واقعیت زیستی نکرده و به این نتیجه نرسیده است که اساس به ظاهر غیر قابل تقلیل نسبت‌های خویشاوندی توهمی بیش نیست (توسلی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

لوی اشترواس بر این نظر است که خویشاوندی نتیجه مستقیم سازمان اجتماعی است که بر اساس منع زنا با محارم بنا شده است در حقیقت خویشاوندی بیشتر یک نتیجه منطقی است تا تاریخی. برای اینکه ساخت خویشاوندی وجود داشته باشد. بایستی سه نوع رابطه خانوادگی پدید آید ۱- رابطه خونی ۲- رابطه سببی ۳- رابطه نسبی. پس واحد خویشاوندی از چهار شخص تشکیل شده. زن - شوهر - پسر و برادر زن. ویژگی غیر قابل تجزیه واحد اساسی خویشاوندی نتیجه مستقیم وجود منع زنا با محارم است که عمومی و جهانی است.

لوی اشترواس معتقد است که در جامعه ابتدایی محور اصلی، رابطه بین شوهر و خواهرها است که ساخت بنیانی خویشاوندی در اطراف آن بنا می‌شود. از نظر وی خویشاوندی نظامی است از مجموع اصطلاحات و لغات و رفتارها. اولاً در نظام مجموعه اصطلاحات اگر عنصری به نظام مربوط نباشد بی معنی است. این نظام‌ها به وسیله روح و ادراک در سطح فکر ناخودآگاه بنا شده‌اند. تکرار نظام‌های خویشاوندی و مقررات مربوط به ازدواج و یکسانی و همانندی رفتارها در بسیاری از انواع خویشاوندی در جوامع کاملاً متفاوت و در بین اقوامی که دور از یکدیگر به سر می‌برند لوی اشترواس را به این فکر وامی‌دارد که در مورد خویشاوندی بگوید پدیده‌های قابل مشاهده نتیجه عمل قوانین عمومی و پنهانی‌اند. گاه عناصر لغوی یک زبان نمی‌تواند معرف کامل پدیده‌ها باشند. مجموعه لغات و اصطلاحات خویشاوندی برای تجزیه و تحلیل ساخت خویشاوندی کافی نیست. بایستی نظام اسماء را بوسیله مطالعه نظام رفتارها کامل کرد (میشل، ۱۳۵۴؛ ۴۹ - ۴۷).

لیتواک ابتدا از واژه "آموزش خانواده" استفاده کرد و آن را "آموزش خانواده گسترده" نامید که به معنی غیر اجتماعی شدن همبستگی خانواده گسترده است. این مقاله به شیوه دیگری به آنومی خانواده نگاه می‌کند. عمدتاً صنعتی شدن، در بعد شخصیت، آنومی نام دارد. اما این موقعیت می‌تواند در بعد اجتماعی هم اتفاق افتد و آنومی خانواده نام گیرد. به این معنا که هنجارهای اجتماعی مرتبط با خانواده ضعیف می‌شود و خانواده به خودی خود می‌تواند به یک موقعیت آنومیک سقوط کند.

از طریق ۳ نشانه بارز این امکان وجود دارد که خانواده به آنومی خانواده نزدیک شود: ۱- انزوای خانواده ۲- آسیب بیرونی ۳- بی‌ثباتی درونی سوال این است که چه روابطی بین انزوای خانواده هسته‌ای و شرایط آنومی خانواده وجود دارد ۱- انزوای خانواده. انزوای خانواده هسته‌ای جدای از انزوای خانواده است. گرچه اولی می‌تواند بعدی را به دنبال آورد. دو نوع انزوای خانواده وجود دارد. تا زمانی

بررسی میزان وابستگی خانواده هسته ای به خانواده های پدری و مادری در میان دانشجویان

که خانواده یک سیستم باز است به ندرت ممکن است خانواده هسته ای به طور کامل از جامعه بیرونی منزوی شود. بنابراین انزوای خانواده که اینجا از آن نام برده می شود این معنا را ندارد. ولی از نظر دیگر در گمنامی زندگی بیشتری بسیار به هم پیوسته است .

گمنامی به این معنا است که ساکنین شهری ارتباطی با هم ندارند حتی اگر همسایه باشند و نتیجتاً هر خانواده در صحرای شهر منزوی زندگی می کند . تحرک شغلی و تحرک جغرافیایی که همراه با صنعتی شدن اتفاق می افتد با این جنبه از انزوای خانواده رابطه زیادی دارد. تحرک شغلی اغلب به تحرک جغرافیایی انجامیده و جایگاه شغلی برای شوهر - پدر ، اهمیت می یابد. اما به دلیل اینکه او جا به جا می شود ساختار دوست یابی اش دچار اختلال می گردد. این یکی از دلایل انزوای خانواده است. تحرک جغرافیایی نیز امکان دوست شدن با همسایه را کم می کند.

آسیب خارجی خانواده .

خانواده هسته ای به درآمد شغلی پدر - شوهر وابسته می شود. بیکاری ، مریضی، طلاق ، مرگ و همسر - پدر خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد و خانواده هسته ای منزوی بیش از واحد هسته ای از یک گروه بزرگ خویشاوندی آسیب می بیند. رقابت شدید در جهان حرفه ها و مشاغل، تحرک پایگاه اقتصادی خانواده را تشدید می کند و علاوه بر آن فرصت و احتمال شکست را به دنبال دارد. نظام کردیت کارت دریافت کالا را آسان می کند. اما هدر دادن غیر آگاهانه پول را نیز به دنبال دارد. آسیب ها تنها اقتصادی نیستند . اهداف ارزشی برابری خواهی و فرد گرایی و اصل آزادی در رفتار انسجام خانواده را کم می کند.

بی ثباتی داخلی خانواده

صنعتی شدن بسیاری از کارکردهای خانواده گسترده را به سایر عوامل اجتماعی منتقل کرده است. بنابراین خانواده هسته ای مدرن بیشتر و بیشتر در کارکرد متمایز شده تا جایی که به دو کارکرد کاهش یافته است : اجتماعی شدن، تثبیت فردی. پس هر چه صنعتی شدن جامعه را به موقعیتی آنومیک هدایت می کند ، جامعه اهمیت کارکرد اجتماعی شدن و ثبوت را که تنها از عهده خانواده بر می آید گوشزد می کند . از طرفی صنعتی شدن خانواده را در این دو کارکرد نیز تهدید می کند . اشتغال زن باعث لطمه زدن به اجتماعی شدن کودک می شود. خانواده را غیر ثابت و نا استوار می کند. همه چیز

قبلاً در خانواده استوار شده بود. مثل ساخت پایگاه - نقش، ارزش‌ها و هنجارها به شدت ریشه دار و عمیق بود. اما صنعتی شدن ایده برابری فردی را در میان اعضای خانواده به ارمغان آورد.

صنعتی شدن و رفاه اجتماعی

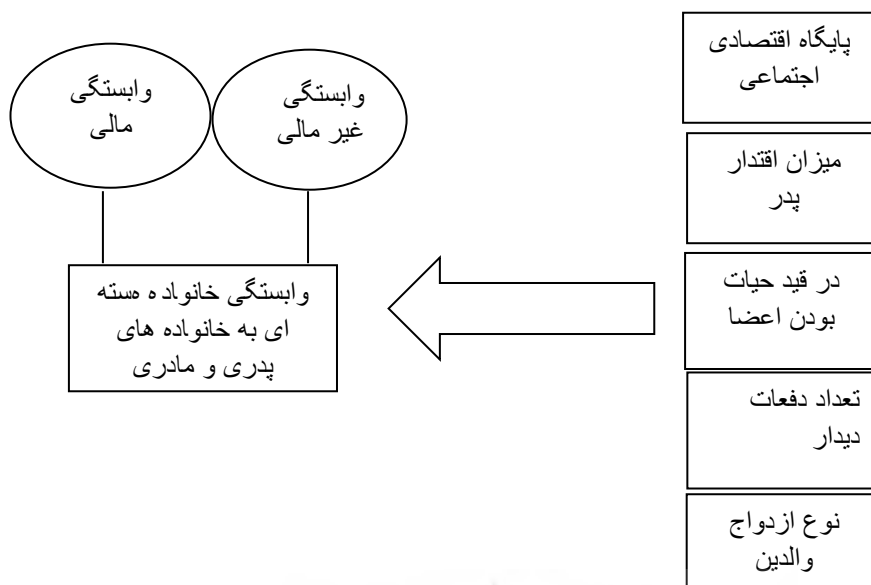
همان‌طور که مشاهده شد صنعتی شدن انزوای خانواده هسته‌ای را به دنبال دارد و خانواده را به موقعیت آنومیک هدایت می‌کند. شبکه اجتماعی اطراف خانواده هسته‌ای به انواع اتصالات مختلفی وابسته است: الزام خویشاوندی، الزام مجاورت، الزام شغلی، اتصال یا الزام خویشاوندی یکی از کانال‌هایی است که توسط آن خانواده هسته‌ای منزوی موقعیت آنومیک‌نا استوار خود را تصحیح می‌کند. اما این که این اتصال را خانواده انتخاب کند یا نه جای بحث دارد. از سوی دیگر تا زمانی که خانواده به عنوان نهاد اجتماعی وجود دارد خویشاوندی چه اعضا یکدیگر را بشناسند یا نه وجود دارد. خویشاوند شامل دو دسته نسب است پدری یا سمت شوهر و مادری یا سمت زن. اتصالات خویشاوندی از حالت نهادی به حالت خود به خودی شیفت می‌یابد. به علاوه روابط خویشاوندی در ژاپن رسمی و مناسکی و بر اساس نسب مرد بوده است. اما روابط خویشاوندی در اجتماع شهری حاضر کمتر رسمی است و بیش از اتصال با نسب مرد رابطه با خویشاوند زن برقرار است. گرچه نظام خویشاوندی امریکایی دو طرف است اما به نظر می‌رسد در آن‌جا نیز روابط با خویشاوند زن بیشتر است. به فرض اگر روابط خویشاوندی به صورت منظم جهت‌یابند روابط بیشتر الزامی و اجباری و اگر روابط به صورت خود به خودی تنظیم شوند روابط بیشتر صمیمانه خواهد بود. در مورد ایران به نظر می‌رسد به دلیل اقتدار پدر در خانواده‌هایی که حداقل دو دهه از عمر ایشان می‌گذرد و همچنین مساله ارث روابط هنوز به نفع مرد باشد.

در نظریه رنه کونینگ خانواده به عنوان گروه، اعضایش را با احساس صمیمیت همکاری و تشریک مساعی به هم پیوند می‌دهد یعنی رابطه‌ی اعضای خانواده بر پایه‌ی صمیمیت و زندگی اجتماعی در داخل گروه استوار است (روزن بام، ۱۳۷۶: ۱۵). در رابطه با اشتغال طبق نظر کونینگ جامعه‌هیچگونه مانعی در سر راه زنان قرار نمیدهد. توزیع قدرت در خانواده بسته به نحوه‌ی تقسیم کار بین زن و مرد است. شرکت فعالانه‌ی زن در تأمین و حفظ حیات اقتصادی خانواده همیشه باعث تهدید قدرت و سلطه‌ی مرد بوده است. جدایی نقش زن و مرد از یکدیگر سبب به وجود آوردن قلمروهای مستقل و جداگانه نشده است. هر فرد در حیطه‌ی خود مستقل بوده و به تبع استقلال حوزه‌ی اقتدار خود، صاحب قدرت است از اینرو سلطه در خانواده امری مشروع، قانونی است. امروزه سلطه‌ی پدریا والدین بر فرزندان به خاطر حفظ تمامیت گروه یا نظام نیست بلکه زبردست بودن فرزندان معلول نیازمندی آنها به کمک و صغیر بودنشان است. اختلافات در نقش و بخصوص عهده دار بودن نقش ناناور بودن به

وسیله ی مرد نه تنها موجب مظلوم واقع شدن زن تقریباً در تمام جوامع شده است بلکه سبب شده تا زن در این جوامع موقعیت پستتری داشته باشد. کونینگ در بسط نظریه ی انطباق دورکیم مسأله ی کاهش کارکردهای خانواده را مدنظر قرار میدهد. از دید او در اثر تکامل صنعتی، ساختار درونی خانواده از بین رفته و کارکردهای مهم آن که کونینگ از آنان به عنوان کارکردی ثانویه نام میبرد به نهادهای دولتی، اجتماعی و اقتصادی واگذار میگردد. در جوامع مدرن خانواده برای اولین بار قادر گشته که به کارکرد اولیه ی خود که عبارت از: رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودکان است بپردازد. وی معتقد است که در تمام طول تاریخ انواع خانوادهها در کنار یکدیگر قرار داشته اند. دگرگونی در خانواده با توجه به فرهنگ و ساختار جامعه رخ میدهد. در دوران گذشته خانوادههای گسترده بخصوص از لحاظ اقتصادی دارای کارکردی مفید برای جامعه بوده، اما در اثر دگرگونی در جامعه این خانوادهها به تدریج اهمیت فرهنگی خود را از دست دادند و به خانواده ی هستهای تبدیل شدند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷).

تئوری مبادله: یکی از دیدگاههای مهم در جامعه شناسی که به قدرت توجه کرده، رهیافت مبادله است؛ تا آنجا که ترنر معتقد است که قدرت، یکی از مفاهیم محوری تئوری مبادله است اساس نظریه ی مبادله درباره ی قدرت در این است که نابرابری در منابع تولید باعث تمایز و تفاوت در قدرت در میان کنشگران میشود (ترنر، ۱۹۸۹: ۵۴). یکی از آثار قابل توجه و متأثر از رهیافت مبادله در زمینه ی ارتباط با قدرت نسبی و عرضه ی خدمات در گروههای کوچک، بالاخص تجربی، مطالعات بلاد و ولف در زمینه ی توازن قدرت بین زن و شوهر بوده است (والاس، ۱۹۹۱: ۱۷۲). ولف منابع را اینگونه تعریف میکند: هر نوع دارایی متعلق به فرد یا گروه که میتواند به دیگران عرضه شده و برای رفع نیازهای آنها سودمند بوده یا وسیله ای برای رسیدن آنها به هدفشان باشد (قندهاری، ۱۳۸۲: ۷۳). این منابع به طور اخص میتواند شامل تحصیلات و شغل و قدرت باشد که تأثیرگذار هستند. دیدگاه بلاد و ولف به نام نظریه ی منابع معروف است. این نظریه بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیمگیریها تبیین میکند (بلاد، ۱۹۷۲: ۱۲۳). تئوری منابع بر پایه ی این فرض قرار دارد که هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد از قدرتی بیشتر برخوردار است. بر اساس این نظریه فرض میشود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن و طول مدت ازدواج از متغیرهایی بهشمار میروند که بر روی توزیع قدرت در خانواده تأثیر میگذارند (والاس، ۱۹۹۱: ۱۷۹).

مدل تحقیق



روش تحقیق

در این تحقیق هم از روش مطالعه کتابخانه‌ای یا به کار بردن اطلاعات و منابع موجود استفاده شده است و هم به صورت پیمایشی^۲ وارد میدان مطالعه شده و نظرات دانشجویان را در مورد روابط خویشاوندی خانواده هایشان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. با توجه به روش تحقیق بکار رفته، کاربردی‌ترین ابزار ما در این تحقیق می‌تواند پرسشنامه باشد. «پرسشنامه وسیله بررسی در میان دیگر وسیله‌هاست و به شایستگی، تنها درباره موضوعات قابل اندازه‌گیری یا محاسبه پذیر بکار می‌رود» (ژاوو، ۱۳۷۳: ۱۳). در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۲۰ نفر انتخاب و پرسشنامه بین دانشجویان توزیع شد و با بررسی پاسخ‌ها اعتبار و روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. الفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ ارزیابی شد. همچنین به منظور بالا بردن اعتبار تحقیق، سئوال‌ات پرسشنامه به چند نفر از متخصصین از جمله اساتید دانشگاه نشان داده شد و تغییراتی در مورد نحوه سئوال‌ات و ترتیب آن انجام گردید. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ در دانشگاه الزهرا در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد. برای انتخاب حجم نمونه از جامعه آماری نمونه‌گیری طبقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش حاضر، از مجموع کل دانشجویان دانشگاه با استناد به فرمول کوکران ۲۶۰ نفر به عنوان جامعه نمونه در نظر گرفته شد.

1 Using existing sources of information

2 Survey

3 Questionnaire

یافته ها

جدول ۱. نتایج ضرایب همبستگی بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده پدری و مادری

اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده مادری	اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده پدری	
۰,۱۳۳*	۰,۳۲۵**	ضریب همبستگی پیرسون
۰,۰۳۶	۰,۰۰۰	Sig. (2-tailed)

با توجه به اینکه دو متغیر اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده پدر هر دو در سطح فاصله ای می باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $\text{Sig} = ۰,۰۰۰$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r = ۰,۳۲۵$ مثبت بیانگر رابطه متوسط می باشد به عبارت دیگر هر چقدر اقتدار پدر در خانواده افزایش یابد، وابستگی به خانواده پدر نیز به همان نسبت افزایش می یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر رد می شود. بنابراین بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده پدر همبستگی معناداری وجود دارد.

همچنین با توجه به اینکه دو متغیر اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده مادر هر دو در سطح فاصله ای می باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $\text{Sig} = ۰,۰۳۶$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r = ۰,۱۳۳$ مثبت بیانگر رابطه ضعیف می باشد به عبارت دیگر هر چقدر اقتدار پدر در خانواده افزایش یابد، وابستگی به خانواده مادر نیز به همان نسبت افزایش می یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر رد می شود. بنابراین بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی به خانواده مادر همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۲. نتایج ضرایب همبستگی بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی مالی به خانواده مادری و پدری

اقتدار پدر در خانواده و وابستگی مالی به خانواده پدری	اقتدار پدر در خانواده و وابستگی مالی به خانواده مادر	
۰/۳۰۳ **	۰/۰۴۵	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۴۷۶	Sig. (2-tailed)

با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی مالی به خانواده مادر و اقتدار پدر در خانواده هر دو در سطح فاصله‌ای می‌باشند. در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/476$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تأیید می‌شود. بنابراین بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی مالی به خانواده مادر همبستگی معناداری وجود ندارد.

بعلاوه با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی مالی به خانواده پدر و اقتدار پدر در خانواده هر دو در سطح فاصله‌ای می‌باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $=0/000$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r=0/303$ مثبت بیانگر رابطه متوسط می‌باشد به عبارت دیگر هر چقدر اقتدار پدر در خانواده افزایش یابد، وابستگی مالی به خانواده پدر نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین بین اقتدار پدر در خانواده و وابستگی مالی به خانواده پدر همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه بین در قید حیات بودن اعضا خانواده مادری و وابستگی به خانواده مادری

منبع تغییرات	Ss	df	Ms	F	Sig.
بین گروهی	۵۹۸,۲۸۶	۳	۱۹۹,۴۲۹	۳,۵۶۸	۰,۰۱۵
درون گروهی	۱۳۹۷۲,۷۲۶	۲۵۰	۵۵,۸۹۱		
جمع	۱۴۵۷۱,۰۱۲	۲۵۳			

از آنجایی که هدف در بالا مشخص کردن تفاوت معناداری می‌باشد از آزمون F مستقل یا تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است، حال با توجه به نتایج آزمون F با سطح

بررسی میزان وابستگی خانواده هسته ای به خانواده های پدری و مادری در میان دانشجویان

معناداری $\text{sig} = 0,015$ نشان می دهد که میزان وابستگی در بین در قید حیات بودن اعضاء خانواده مادری تفاوت معناداری وجود دارد یعنی با توجه به اطلاعات موجود فرضیه صفرتائید نمی شود و فرضیه پژوهشگر تائید می شود. در ادامه جهت دستیابی به تفاوتها در بین گروهها نیازمند آزمون پس تجربی می باشیم. بنابراین جهت تعیین نوع آزمون پس تجربی باید در ابتدا از آزمون Leven استفاده شود.

جدول ۴. نتایج آزمون لون در قید حیات بودن اعضای خانواده مادری و وابستگی به خانواده مادری

Sig.	df2	df1	Levine Statistic
0,184	250	3	1,625

از آنجایی که میزان سطح معناداری آزمون لون $\text{sig} = 0,184$ می باشد در نتیجه باید از آزمون های واریانس های برابر یا همگن Post Hoc که در جدول بعدی آمده است، استفاده کرد.

جدول ۵. آزمون واریانس در قید حیات بودن اعضا

فاصله اطمینان ۹۵٪		سطح معناداری	Std. Error	تفاوت میانگین ها	در قید حیات بودن	در قید حیات بودن
کرانه بالا	کرانه پائین					
3,0106	3,8506-	0,810	1,74186	0,42000-	مادر بزرگ	پدر بزرگ
3,7185	3,0937-	0,857	1,72943	0,31243	هر دو	
6,5123	1876-	0,064	1,70093	3,16235	هیچ کدام	
3,8506	3,0106-	0,810	1,74186	0,42000	پدر بزرگ	مادر بزرگ
3,1874	1,7225-	0,557	1,24648	0,73243	هر دو	
5,9588	1,2059	0,003	1,20664	3,58235	هیچ کدام	
3,0937	3,7185-	0,857	1,72943	0,31243-	پدر بزرگ	هر دو
1,7225	3,1874-	0,557	1,24648	0,73243-	مادر بزرگ	
5,1909	5089.	0,017	1,18862	2,84992	هیچ کدام	
1876.	6,5123-	0,064	1,70093	3,16235-	پدر بزرگ	هیچ کدام
1,2059-	5,9588-	0,003	1,20664	3,58235-	مادر بزرگ	
5089.-	5,1909-	0,017	1,18862	2,84992-	هر دو	

با توجه به نتایج آزمون LSD که برای تشخیص تفاوت معناداری در بین گروه ها می باشد. طبق نتایج در جدول بالا زمانی که مادر بزرگ در قید حیات باشد وابستگی به خانواده مادری بیشتر است تا زمانی

که هیچ کدام زنده نباشند که مقدار تفاوت برابر با ۳,۵۸۲ می‌باشد. همچنین زمانی که هر دو در قید حیات می‌باشند وابستگی نسبت به زمانی که هیچ کدام زنده نیستند بیشتر است که مقدار آن برابر با ۲,۸۴۹۹ می‌باشد.

جدول شماره ۶. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بین در قید حیات بودن اعضا خانواده پدری و وابستگی به خانواده پدری

Sig.	F	Ms	df	SS	منبع تغییرات
۰,۰۷۷	۲,۳۰۸	۱۵۱,۷۴۹	۳	۴۵۵,۲۴۸	بین گروهی
		۶۵,۷۴۴	۲۵۲	۱۶۵۶۷,۴۰۴	درون گروهی
			۲۵۵	۱۷۰۲۲,۶۵۲	جمع

از آنجایی که هدف در جدول بالا مشخص کردن تفاوت معناداری می‌باشد از آزمون F مستقل یا تحلیل واریانس یک طرفه، (ANOVA) استفاده شده است، حال با توجه به نتایج آزمون F با سطح معناداری $\text{sig} = ۰,۰۷۷$ نشان می‌دهد که میزان وابستگی در بین در قید حیات بودن اعضا خانواده پدری تفاوت معناداری وجود ندارد یعنی با توجه به اطلاعات موجود فرضیه صفر تایید می‌شود و فرضیه پژوهشگر رد می‌شود.

جدول ۷. نتایج ضرایب اسپیرمن بین تعداد دفعات دیدار خانواده‌های پدری و مادری و وابستگی به خانواده‌های پدری و مادری

تعداد دفعات دیدار و وابستگی به خانواده مادری	تعداد دفعات دیدار و وابستگی به خانواده پدری	
۰,۱۶۶	۰,۲۹۰	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰۹	-۰,۰۶۸	Sig. (2-tailed)

با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی به خانواده پدری و تعداد دفعات دیدار خانواده پدری هر دو در سطح ترتیبی می‌باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $\text{Sig} = ۰/۲۹۰$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تایید می‌شود. بنابراین بین تعداد دفعات دیدار خانواده پدری و وابستگی به خانواده پدری همبستگی معناداری وجود ندارد.

همچنین با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی به خانواده مادری و تعداد دفعات دیدار خانواده مادری هر دو در سطح ترتیبی می‌باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با

بررسی میزان وابستگی خانواده هسته ای به خانواده های پدری و مادری در میان دانشجویان

Sig=0/013 به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r=-0/157$ منفی بیانگر رابطه نسبتاً ضعیف می باشد به عبارت دیگر هرگاه دیدارها افزایش یابد ، وابستگی به خانواده مادری نیز کاهش می یابد . در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر رد می شود. بنابراین بین تعداد دفعات دیدار خانواده مادری و وابستگی به خانواده مادری از همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بین نوع ازدواج و وابستگی به خانواده مادری

Sig.	F	Ms	Df	SS	منبع تغییرات
0,325	1,162	66,662	3	199,986	بین گروهی
		57,348	251	14394,422	درون گروهی
			254	14594,408	جمع

از آنجایی که هدف در جدول بالا مشخص کردن تفاوت معناداری می باشد از آزمون F مستقل یا تحلیل واریانس یک طرفه، (ANOVA) استفاده شده است ، حال با توجه به نتایج آزمون F با سطح معناداری $\text{sig}= 0,325$ نشان می دهد که میزان وابستگی به خانواده مادری در بین انواع مختلف ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد یعنی با توجه به اطلاعات موجود فرضیه صفر تائید می شود و فرضیه پژوهشگر رد می شود.

جدول شماره ۹. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بین نوع ازدواج و وابستگی به خانواده پدری

Sig.	F	Ms	df	SS	منبع تغییرات
0,258	1,353	89,767	3	269,300	بین گروهی
		66,359	254	16855,150	درون گروهی
			257	17124,450	جمع

از آنجایی که هدف در بالا مشخص کردن تفاوت معناداری می باشد از آزمون F مستقل یا تحلیل واریانس یک طرفه، (ANOVA) استفاده شده است ، حال با توجه به نتایج آزمون F با سطح معناداری $\text{sig}= 0,258$ نشان می دهد که میزان وابستگی به خانواده پدری در بین انواع مختلف ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد یعنی با توجه به اطلاعات موجود فرضیه صفر تائید می شود و فرضیه پژوهشگر رد می شود.

جدول ۱۰. آزمون خی بین تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده پدری و مادری از نظر نگهداری از فرزندان

رابطه متغیرها	معناداری	دامنه	مقدار	d سامرز
تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده پدری از نظر نگهداری از فرزندان	۰,۰۰۰	۲۰	۵۲,۷۳	-۰,۱۲۰
تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده مادری از نظر نگهداری از فرزندان	۰,۰۸۳	۲۰	۲۹,۲۴	-۰,۰۱۶

با توجه به اینکه دو متغیر تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده مادری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig = ۰$. به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r = -۰,۱۲۰$ منفی بیانگر رابطه ضعیفی می باشد به عبارت دیگر هر چقدر تحصیلات پدر افزایش یابد ، وابستگی به خانواده پدری از نظر نگهداری از فرزندان کاهش می یابد . در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر رد می شود بنابراین بین تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده پدری نگهداری از فرزندان همبستگی معناداری وجود دارد.

علاوه بر این از آنجایی که دو متغیر تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده مادری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig = ۰$ ، به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تائید می شود بنابراین بین تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی به خانواده مادری در نگهداری از فرزندان همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۱. آزمون خی بین متغیرها

روابط متغیرها	معناداری	دامنه	مقدار	d سامرز
تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری	۰,۱۶۷	۲۰	۲۵,۹۶	-۰,۱۴۵
تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی	۰,۰۲۶	۲۰	۳۳,۹۸	

مالی به خانواده مادری				-۰,۱۳۲
تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری	۳۳,۱۵	۲۰	۰,۰۳۲	-۰,۱۵۴
تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری	۱۷,۴۲	۲۰	۰,۶۲۵	-۰,۰۹۳

با توجه به اینکه دو متغیر تحصیلات پدر و وابستگی مالی به خانواده پدری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=۰,۱۶۷$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تأیید می شود بنابراین بین تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری همبستگی معناداری وجود ندارد.

علاوه بر این با توجه به اینکه دو متغیر تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=۰,۲۶۶$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $-۰,۱۳۲$ به $r=$ منفی بیانگر رابطه ضعیفی می باشد به عبارت دیگر هر چقدر تحصیلات پدر افزایش یابد، وابستگی مالی به خانواده مادری کاهش می یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می شود بنابراین بین تحصیلات پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری همبستگی معناداری وجود دارد.

همچنین با توجه به اینکه دو متغیر تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=۰,۰۳۲$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $-۰,۱۵۴$ به $r=$ منفی بیانگر رابطه ضعیفی می باشد به عبارت دیگر هر چقدر تحصیلات مادر افزایش یابد، وابستگی مالی به خانواده پدری کاهش می یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می شود بنابراین بین تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری همبستگی معناداری وجود دارد.

و با توجه به اینکه دو متغیر تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری هر دو در سطح ترتیبی می باشد در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از d سامرز استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0,625$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تأیید می شود بنابراین بین تحصیلات مادر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۲. ضرایب همبستگی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری و پدری

پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری	پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدر	
-۰,۱۴۲	-۰,۱۰۳	ضریب همبستگی پیرسون
۰,۰۲۴	۰,۱۰۱	Sig. (2-tailed)

با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی مالی به خانواده پدری و پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو هر دو در سطح فاصله ای می باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/101$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تأیید می شود. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده پدری همبستگی معناداری وجود ندارد.

با توجه به اینکه دو متغیر وابستگی مالی به خانواده مادری پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو هر دو در سطح فاصله ای می باشند در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/024$ به عبارت دیگر همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r=-0/142$ منفی بیانگر رابطه ضعیف می باشد به عبارت دیگر هر چقدر پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر افزایش یابد، وابستگی مالی به خانواده پدر نیز به همان نسبت کاهش می یابد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می شود. بنابراین بین پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو و وابستگی مالی به خانواده مادری همبستگی معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

صنعتی شدن انزوای خانواده هسته ای را به دنبال دارد و خانواده را به موقعیت آنومیک هدایت می کند. خانواده تازه شکل گرفته مجبور است به دنبال پدر و شغل وی از محل زندگی والدین جدا شود و به محل دیگری نقل مکان کند. همین مساله باعث بسیاری از رخدادها از جمله انومی خانواده و انزوای آن می شود.

از سوی دیگر تا زمانی که خانواده به عنوان نهاد اجتماعی وجود دارد خویشاوندی چه اعضا یکدیگر را بشناسند یا نه وجود دارد. به علاوه روابط خویشاوندی در ژاپن رسمی و مناسکی و بر اساس نسب مرد بوده است. اما روابط خویشاوندی در اجتماع شهری حاضر کمتر رسمی است و بیش از اتصال با نسب مرد رابطه با خویشاوند زن برقرار است. گر چه نظام خویشاوندی امریکایی دو طرف است اما به نظر می رسد در آن جا نیز روابط با خویشاوند زن بیشتر است. به فرض اگر روابط خویشاوندی به صورت منظم جهت یابند روابط بیشتر الزامی و اجباری و اگر روابط به صورت خود به خودی تنظیم شوند روابط بیشتر صمیمانه خواهد بود. در مورد ایران به نظر می رسد به دلیل اقتدار پدر در خانواده هایی که حداقل دو دهه از عمر ایشان می گذرد و همچنین مساله ارث روابط هنوز به نفع مرد باشد اما در این تحقیق به بررسی مقایسه ای وابستگی خانواده هسته ای به خانواده های پدری و مادری پرداخته شد.

به طور خلاصه در این تحقیق پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، میزان اقتدار پدر و در قید حیات بودن، نوع ازدواج والدین خانواده جهت یاب به عنوان متغیرهای مستقل و وابستگی خانواده فرزند یاب به خانواده جهت یاب به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. این متغیر با شاخص هایی همچون وابستگی مالی، وابستگی غیر مالی بررسی شد. نتایج بیانگر این بود که میان متغیر اقتدار پدر و وابستگی به خانواده پدری رابطه مثبت معناداری برقرار بود. همچنین این رابطه میان اقتدار پدر و وابستگی به خانواده مادری نیز به چشم می خورد. اما اقتدار پدر با وابستگی مالی به خانواده مادر رابطه معنادار منفی را نشان داد. سایر روابط معنادار گزارش نشدند. متغیر در قید حیات بودن خانواده مادری با وابستگی به خانواده مادری رابطه معناداری را نشان داد در حالی که متغیر در قید حیات بودن خانواده پدری با وابستگی به خانواده پدری رابطه معناداری نداشت. تعداد دفعات دیدار خانواده مادری با وابستگی به خانواده مادری رابطه معناداری را نشان داد در حالی که تعداد دفعات دیدار خانواده پدری با وابستگی به خانواده پدری رابطه معنادار نشان داد. متغیر تعداد دفعات دیدار نیز با وابستگی به خانواده مادری رابطه معنادار منفی نشان داد در حالی که با وابستگی به خانواده پدری رابطه معناداری را نشان نداد.

همچنین متغیر نوع ازدواج با وابستگی به خانواده پدری و مادری رابطه معناداری را نشان نداد. متغیر تحصیلات پدر پاسخگو با وابستگی به خانواده پدری از نظر نگهداری از فرزندان رابطه معناداری را نشان داد در حالی که با وابستگی به خانواده مادری از نظر نگهداری از فرزندان رابطه معناداری را نشان نداد. علاوه بر این تحصیلات پدر پاسخگو با وابستگی مالی به خانواده مادری رابطه معنادار منفی نشان داد و تحصیلات مادر پاسخگو با وابستگی مالی به خانواده پدری رابطه معنادار منفی نشان داد در حالی سایر متغیرها رابطه معناداری برقرار نمودند. متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر پاسخگو نیز با وابستگی مالی به خانواده مادری رابطه معنادار نشان داد در حالی که با وابستگی مالی به خانواده پدری رابطه معنادار نشان نداد.



منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- بروس، کوین. (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۶). نظریه های جامعه‌شناسی، تهران: سمت
- روزن باوم، هایدی. (۱۳۷۶). خانواده به منزله‌ی ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه‌ی محمدصادق مهدوی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- زارعان، منصوره. (۱۳۹۲). «موفقیت خانواده و تأثیر خانواده‌ی جهت یاب در آن» مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۹۱-۲۲۸
- ژاوو، لکود. (۱۳۷۳). پژوهش به شیوه پرسشنامه‌ای، ترجمه جهانگیر جهانگیری، شیراز، انتشارات راهبرد
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش
- عباسی شوازی محمدجلال، ترابی فاطمه. (۱۳۸۵). «سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران» نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران؛ ۱(۲): ۶۱-۶۱.
- عباسی شوازی محمدجلال، ترابی فاطمه. (۱۳۸۵). «تفاوت های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران» مجله جامعه‌شناسی ایران؛ ۷(۴): ۱۴۶-۱۱۹.
- فاضل نیا، غریب. (۱۳۹۳). «سنجش و مقایسه تطبیقی شاخصهای کیفیت زندگی در خانواده‌های گسترده و هسته ای مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش پشتاب زابل»، پژوهش های روستایی، دوره ۵، شماره ۴، ۸۴۹-۸۷۴
- قندهاری، پردیس. (۱۳۸۲). زن و قدرت، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی، جلد اول.
- مقصودی، منیژه. (۱۳۸۶). انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی، تهران: شیرازه
- میشل، آندر. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون

Blood, R. O. (1972). *The Family*, the Free Press, New York.

Dorfman, Lorraine T. & Mertens, Carol E.; (Apr 1990) *Kinship Relations in Retired Rural Men and Women* Family Relations, Vol. 39 Issue 2, p166-173

Lamborn Susie D. and Dang Giao T. Nguyen. (2004). African American Adolescents Perceptions of Family, Interactions: Kinship Support, Parent° Child, Relationships, and Teen Adjustment Journal of Youth and Adolescence, Vol .33, No. 6, December 2004, pp.547° 558

Morrissey Marietta. (1991). Gender, Race, and Kinship: Searching for the MA trifocal Family Critical Sociology, Vol. 18, No. 2, 103-115

- Stocker Clare M. & Susan M. McHale. (1992). The Nature and Family Correlates of Preadolescents' Perceptions of their Sibling Relationships Journal of Social and Personal Relationships, Vol.9, No 2,179-19
- Turner, Jonathan H. (1988). The Structure of Sociological Theory. Wads Worth Publishing Co. New York.
- Vogt Yuan Anastasia S. (2009). Sibling Relationships and Adolescents' Mental Health The Interrelationship of Structure and Quality, Journal of Family Issues, Vol. 30, No. 9, 1221-1244
- Wallace, Ruth A. & Wolf, A. (1991). Contemporary Sociology Theory. Prentice-Hall, New York.



Review the degree of nuclear family affiliation among fathers and mother families among students

Afsaneh Tavassoli

Associate Professor of Sociology , Al-Zahra University

Abstract

The present study seeks to compare the factors affecting the degree of dependence of the nuclear family on maternal and paternal families. Accordingly, Levi-Strauss, Raudel-Cliff Brown, René Koning, and the exchange approach have been used. The method of this research is a survey and library. The statistical population of this research is Alzahra University students' families. Sampling was done by stratified sampling. The sample size is 260 people. The research instrument is a researcher-made questionnaire. The results showed that father's authority variable had a significant positive correlation with father's family affiliation. This relationship is also seen between father's authority and mother affiliation. But the father's authority showed a meaningful negative relationship with the financial affiliation of the mother's family. There was a significant relationship between maternal family life and maternal dependency, while there was no significant relationship between father's family life and family dependency. There was a significant relationship between the number of visits to the mother's family and their dependency on the mother's family, while the number of visits to the father's family did not show a significant relationship with the father's family. The variable of father-respondent's education showed a significant relationship with the dependence on the father's family, while there was no significant relationship with the dependency of the mother's family on the maintenance of the children. Additionally, the response of the father of father with financial dependence on the mother's family showed a significant negative correlation with the mother's response to financial affiliation with the father's family. The socio-economic variable of respondent father also showed a significant relationship with financial dependence on the mother's family, while there was no significant relationship with financial dependence on the father's family.

Key words: nuclear family, father's and mother's family, father's authority, life expectancy, number of visits